گفت‌وگوی «جوان» با معصومه گلدوست همسر اولین شهید مدافع حرم شرق مازندران عبدالرحیم فیروزآبادی

طعنه‌زنندگان به مدافعان حرم فرقی با تکفیری‌ها ندارند

صغری خیل فرهنگ

وقتی با معصومه گلدوست همسر شهید مدافع حرم عبدالرحیم فیروزآبادی به گفت‌وگو نشستیم، دلش از طعنه‌هایی که برخی در خصوص مدافعان حرم می‌زنند، پر بود. طوری که می‌گفت برای او این طعنه‌زنندگان با سلفی‌ها هیچ فرقی ندارند. خانم گلدوست تنها چهار سال با همسرش زندگی کرد اما آنطور که خودش می‌گوید، هر لحظه این سال‌ها مملو از عشق و علاقه‌ای دوطرفه بود که تنها پاسداری از حریم اهل بیت و یاوری جبهه مقاومت اسلامی ارزشش را داشت که از این زندگی عاشقانه بگذرد و همسرش را راهی کند. گفت‌وگوی ما با این همسر شهید مدافع حرم را پیش رو دارید.

خانم گلدوست شما و همسرتان متولد دهه ۶۰ هستید، دهه‌ای که جنگ جریان داشت و حالا خودتان نقش پدران و مادرانتان را بر عهده گرفته‌اید.

بله، من در سال ۱۳۶۷ در شهرستان نکا به دنیا آمدم و همسرم شهید عبدالرحیم فیروزآبادی هم متولد ۱۳۶۴ بود. من فقط از همسران شهدا و خانواده‌های شهدا چیزهایی شنیده بودم و فکر نمی‌کردم که روزی خودم هم همسر شهید شوم. ابتدای آشنایی من و عبدالرحیم کاملاً سنتی بود. عبدالرحیم به دنبال همسری متدین و محجبه بود و من هم ملاکم ابتدا ایمان و اخلاق بود که ایشان دارای این ویژگی‌های مهم بودند. زمانی که عبدالرحیم به خواستگاری من آمدند در همان ابتدای همکلامی‌مان از شغلشان به من گفتند. از اینکه پاسدار هستند و از من صبر در مقابل سختی‌ها را خواستند. عبدالرحیم برایم از مشکلات و سختی‌ها در مسیر راه و زندگی گفت، از نبودن‌ها و مأموریت‌هایی که برایش پیش خواهد آمد و از عشقش به جهاد و شهادت برایم صحبت کرد. از من خواست همراه و همسنگرش باشم، نه اینکه در زندگی جلوی کارها و جهادش را بگیرم. همانجا ته دلم لرزید اما گویی خدا پیوند من و ایشان را بسته بود. می‌دانستم و ایمان داشتم که او به شهادت خواهد رسید. عبدالرحیم لیاقت شهادت را داشت. من و عبدالرحیم سال ۱۳۸۸ همزمان با ولادت امام علی(ع) عقد کردیم و خداوند او را به من هدیه داد.

زندگی مشترکتان چند سال طول کشید؟

ما در سال ۱۳۹۰ زندگی خودمان را در نیمه شعبان در کنار بیت‌الله الحرام و در جوار ائمه و رسول اکرم(ص) آغاز کردیم که این زندگی مشترک چهار سال طول کشید. زمانی که از مکه برگشتیم، عبدالرحیم تنها دو روز در کنارم بود. بعد از دو روز برای انجام مأموریت به اشنویه رفت.

پس نبودن‌های ایشان از همان اولین روزهای زندگی مشترکتان خودش را نشان داد؟

دقیقاً همینطور است. برای من که تازه عروس بودم بسیار سخت بود. ابتدای زندگی، مأموریت خطیر ایشان در درگیری با پژاک پیش آمد. چهار روز از عبدالرحیم بی‌خبر بودم. یک سال بعد مأموریت ایشان به پیرانشهر پیش آمد. سال بعد هم یک سالی به چابهار رفت. سال گذشته هم راهی پیرانشهر شده بود که بعد از یک ماه به خانه آمد و حرف از مدافع حرم شدنش به میان آمد. همسرم برای اعزام به سوریه سر از پا نمی‌شناخت. او در همه نبودن‌هایش در کنارم بود و حضور معنوی‌اش را در کنار خود احساس می‌کردم و می‌دانستم بله گفتن به یک نظامی با شرایط ایشان سخت است. اما من عاشقش بودم و برای مسیری که او در زندگی‌اش انتخاب کرده بود، احساس تکلیف می‌کردم. من همسر و همسنگرش بودم پس باید با صبوری، مأموریت‌ها و شرایط کاری‌اش را تحمل می‌کردم.

از شهید فرزندی هم دارید؟

حاصل زندگی من و همسنگرم در مدت چهار سال در کنار هم بودن، دو یادگار از شهید است. فاطمه سه ساله و نیم و حنانه هم که یک سال و نیم دارد.

گفتید که به نظر شما همسرتان لیاقت شهادت را داشت، به نظر شما چه ویژگی‌هایی در همسرتان وجود داشت که شهادت را نصیبش کرد؟

عبدالرحیم را نه تنها به عنوان یک همسر بلکه باید به عنوان یک شیعه برای شما معرفی کنم. بارزترین شاخصه اخلاقی همسرم اطاعت امر از ولایت فقیه بود. به نظر خودم همین ولایت‌پذیری، ایمان و اخلاص در مأموریت‌هایش، او را به شهادت رساند و مزد مجاهدت‌هایش را اینچنین زیبا از خداوند گرفت. برای من به عنوان یک همسر بسیار دلسوز و فردی بسیار امیدوار به زندگی بود. این امیدواری‌اش سرلوحه زندگی من شده است. عبدالرحیم در میان بستگان فردی مهربان، شوخ‌طبع و اهل تفریح و شیطنت بود. ایشان پدری نمونه برای بچه‌ها هم بود. پدری مهربان و دلسوز که با شهادتش راه درست زندگی کردن را به فرزندانش آموخت و راه حسینی شدن و زینبی ماندن را به ما یاد داد.

با آن همه مأموریتی که می‌رفت، مانع رفتنش به سوریه نشدید؟

چرا، وقتی که ایشان از اعزام به سوریه صحبت کرد، گفتم شما تازه از مأموریت پیرانشهر برگشتی. کمی تامل کن و اجازه بده تا بچه‌ها شما را ببینند و فرصتی فراهم بشود تا دلتنگی‌های این مدت برطرف شود. اما در پاسخ گفت: وظیفه خودم می‌دانم و بر من تکلیف است که بروم.

راضی کردن شما که همراه همیشگی‌اش بودید، دشوار نبود؟

اصلاً دشوار نبود، چراکه من به این رفتن و برگشتن‌ها عادت کرده بودم. اما خانواده‌ها از اعزام ایشان اطلاع نداشتند. زمانی که مطلع شدند فقط دعا می‌کردند. فاطمه و حنانه هم به این رفتن‌ها و مأموریت‌های پدرشان عادت داشتند.

چه تاریخی اعزام شدند و چه تاریخی به شهادت رسیدند؟

همسرم ۲۱ آبان سال ۱۳۹۴ به سوریه اعزام شد و تنها ۲۷ روز بعد از اعزامش یعنی ۱۶ آذر ماه ۱۳۹۴ به شهادت رسید. عبدالرحیم همان ابتدا از عشقش به شهادت برایم صحبت کرده بود. یک روز بعد از عقد در حیاط خانه نشسته بودیم که شناسنامه‌اش را به من نشان داد و گفت این هم سند شهادت من. به شناسنامه ایشان نگاه کردم در قسمتی که نوشته شده است وفات برای ایشان نوشته شده بود فوت و شهادت. این برایم بسیار جالب بود.

خبر شهادتش را چطور متوجه شدید؟

یک روز بعد از شهادتش به ما خبر دادند که به شهادت رسیده است. از صبح روز ۱۷ آذر ماه تلفن‌های مشکوک زیادی داشتم. در نهایت با پدر ایشان تماس گرفتم. پدرشوهرم گفت که عبدالرحیم مجروح شده است و در حال بازگشت به کشور است. کمی خیالم راحت شد. اما تا از اتاق بیرون آمدم و برادرانم را دیدم، متوجه شدم که همسرم به خیل شهدای مدافع حرم پیوسته است. آنطور که به ما اطلاع دادند. همسرم در منطقه عملیاتی بود که با اصابت تیر مستقیم تک تیرانداز دشمن به گردنش به شهادت می‌رسد. همسر شهیدم در ۱۹ آذر ماه ۹۴ به خاک سپرده شد.

وقتی خبر شهادت عزیزتان را شنیدید چه کردید؟

ابتدا حال و روز خوبی نداشتم. خیلی جا خوردم از شهادتش. فکرش را هم نمی‌کردم به این زودی به آرزویش برسد و من همسر شهید شوم. کمی بعد با توکل به خدا و طلب صبر از خانم حضرت زینب (س) چنان به آرامش رسیدم که این روزها در کنار دوستم که ایشان هم همسر شهید مدافع حرم شده‌اند هستم و به ایشان آرامش می‌دهم. همسر ایشان از دوستان صمیمی همسرم بودند. امروز این صبر و شکیبایی را مدیون خدا و همسرم هستم و خدا را شاکرم که به من طاقت داد تا کنار یک همسر شهیدی که از بهترین دوستان همسرم هست باشم و برایش خواهری کنم. الحمدلله مراسم شهیدم با شکوه خاصی برگزار شد، بسیار بی‌نظیر و پرجمعیت. همه می‌گفتند که بعد از تشییع آیت‌الله کوهستانی، دومین تشییع جنازه پر شکوه در استان مازندران بوده است.

> در وصیتنامه‌اش برای دخترها نوشته است که هیچ وقت چادر را از سر خود برندارید تا چشم ناپاک نامحرمان به شما نیفتد و من هم در دیدار خصوصی که با پیکرش داشتم از همسرم خواستم کنارمان باشد. من تلاش می‌کنم که بچه‌ها را آنطور که می‌خواست تربیت کنم

همسرتان سفارشی برایتان نداشت؟

وقتی عبدالرحیم راهی سوریه شد به من گفت بسیار مراقب دخترها باش. به دخترم فاطمه گفت مراقب مادرت باش. مادر را اذیت نکنید. در وصیتنامه‌اش برای دخترها نوشته است که هیچ وقت چادر را از سر خود برندارید تا چشم ناپاک نامحرمان به شما نیفتد و من هم در دیدار خصوصی که با ایشان داشتم از همسرم خواستم کنارمان باشد. من تلاش می‌کنم که بچه‌ها را آنطور که می‌خواست تربیت کنم. همانطور که اسم و لقب حضرت فاطمه را با خود دارند، فاطمه‌وار تربیت شوند.

نظرتان در مورد اینکه برخی القا می‌کنند مدافعان حرم برای مادیات می‌روند، چیست؟

به خون شهدا قسم کسانی که می‌گویند رزمندگان مدافع حرم برای پول راهی میدان نبرد با داعشیان می‌شوند، برایم فرقی با وهابیون جاهل ندارند. اینها قانع نمی‌شوند و در جهل خود باقی می‌مانند. از همینجا هم می‌خواهم خطاب به آنها که از چرایی رفتن همسرم به دفاع از حرم، حرف به کنایه می‌زنند، بگویم که اگر عبدالرحیم من برای دفاع از حرم نمی‌رفت و در آنجا به شهادت نمی‌رسید، در خاک خودمان به این لیاقت شهادت می‌رسید. وقتی خدا شهادت را برای بنده‌ای بخواهد این اتفاق خواهد افتاد و شهادت در هر جا که باشد نصیبش می‌شود.

چه درددلی با حضرت زینب(س) دارید؟

می‌خواهم به خانم بگویم من خوشحالم که همسرم لیاقت شهادت در راه اهل بیت را پیدا کرد خوشحالم که همسرم جهاد کرده و شهید راه بی‌بی شده است. خوشحالم که لایق بود و این سعادت نصیبش شد. امیدوارم که خانم این هدیه ناچیز را از من قبول کند. فرموده امام خامنه‌ای هم من را آرام می‌کند که فرمودند اگر این زنان جوان مدافع حرم زبان به شکوه باز می‌کردند، هیچ مدافعی وجود نداشت. اگر هم ما گریه می‌کنیم، تنها به خاطر دلتنگی‌های زینبی خودمان است، برای شهادت آنها نیست. برای روزهای سختی است که در پیش داریم. زمان مدرسه رفتن بچه‌ها یا زمان ازدواجشان و... دخترم فاطمه می‌گوید: دلم برای بابایی تنگ شده. از اینکه صبح پا می‌شود، خواب پدرش را تعریف می‌کند دلم می‌گیرد از اینکه دست نوازش پدرانه بر سرشان کشیده نمی‌شود، از اینها دلم می‌گیرد. اما همه اینها فدای دل حضرت زینب(س). همسرم برای دفاع از جان و مال و ناموس کشورمان رفت و مردم باید قدر این لحظات سخت و تلخ ما را بدانند و زبان به شکوه و شکایت باز نکنند. درست است که شهدای زمان جنگ برای خاک رفتن و شهدای حرم برای حرم بی‌بی، ولی هر دو برای حفظ اسلام رفتند و ما باید مدافع حرم اسلام باشیم و با حفظ اسلام و حجاب ادامه‌دهنده راه همسران شهدای جنگ و شهدای مدافع حرم بمانیم. مدافع اسلام شدن در داخل یا خارج از مرزهای جغرافیای تفاوتی ندارد. شهید مدافع وطن شدن یا شهید مدافع حرم شدن همه اینها مسیری است که خدا ما را می‌آزماید. امیدوارم اهل بیت کمک کنند و صبوری به ما بدهند و راه‌های سخت را برای ما آسان کنند که یادگاران شهید را آنطور که باید پرورش دهیم.

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۸۲۲

از راست به چپ

■ ۱- زبان علمی مقدس و باستانی در هند- چای قند پهلو ■ ۲- معروف‌ترین اثر بوکاچیو، نویسنده ایتالیایی- جاذبه دیدنی سرزمین مصر ■ ۳- برگ درخت یا گیاه نورسته- صبر زرد- خزانه‌دار- ساز مولانا ■ ۴- پول دو کره- حرص و طمع- نویسنده فرانسوی طاعون- منطقه قرمز تشک کشتی ■ ۵- کار و عمل- پهلوان سنتی آذری‌ها- صفت سیب‌زمینی ■ ۶- سیم رابط شمع و دلکو- خانه- کوره نان پزی ■ ۷- درس کشیدنی- حیوان بومی استرالیا که از درخت اکالیپتوس تغذیه می‌کند- پرحرفی ■ ۸- توده مردم ■ ۹- به تنهایی- رشید و شجاع- فریاد عدالت ■ ۱۰- پسر زن از شوهر پیشین- جای عبور- نوعی قایق مسابقه‌ای ■ ۱۱- عوامل تزیینی مانند نقاشی، وسیله، اثاث- مروارید- عادل؛ یکی از صفات باری تعالی ■ ۱۲- شرط دوستی- کاشف واکسن ویروس فلج اطفال- آخرین نت- امید و آرزو ■ ۱۳- اسب تبریزی- نفت دریای شمال- رباعی سرای نامی کشورمان- ماه سرد ■ ۱۴- شهری نزدیک کاشان- شهری در ترکیه که مقر سلوکیان بوده است ■ ۱۵- ظرف سنگی- دیکتاتور فاشیست ایتالیایی

از بالا به پایین

■ ۱- ساکت و خاموش و بی‌رونق- مراسم بزرگداشت ■ ۲- دومین دوره از دوران زمین‌شناسی- جانور مردارخوار ■ ۳- چوب خوشبو- همنشین- شهر هلن زیبارو – قورباغه ■ ۴- از اقوام باستانی که در دوره هخامنشیان می‌زیستند- صد متر مربع- ماده ای خوشبو- سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی ■ ۵- تخته سنگ پهن و نازک- منسوب به کوه- بالای چهارچوب در ■ ۶- رمزها- جدا و غیر- سرمربی پاری‌سن ژرمن فرانسه ■ ۷- چین و شکن- سود، دخل- سازنده باتری الکتریکی ■ ۸- ضمیر مخاطب- نقاش ایرانی با نام اصلی محمد غفاری و خالق زرگر بغدادی- رطوبت ■ ۹- معشوق و محبوب- فیلمی به کارگردانی جان وین، هنرپیشه فیلم قلعه آپاچی- گام و قدم ■ ۱۰- از آثار شکسپیر- از شهرهای مازندران- سیاستمدار ■ ۱۱- حیوان باربر- خوراک ضبط صوت- نخستین پادشاه مادها ■ ۱۲- شیرینی- بازار اوراق بهادار- ویتامین جدولی- از ابزار ورزش زورخانه ■ ۱۳- طایفه کم حرف- چونکه؛ برای اینکه- خدمتکار و کنیز- خطاب بی‌ادبانه ■ ۱۴- رزمایش- توریست ■ ۱۵- نویسنده نامدار وداع با اسلحه- نوعی اختلال چشمی

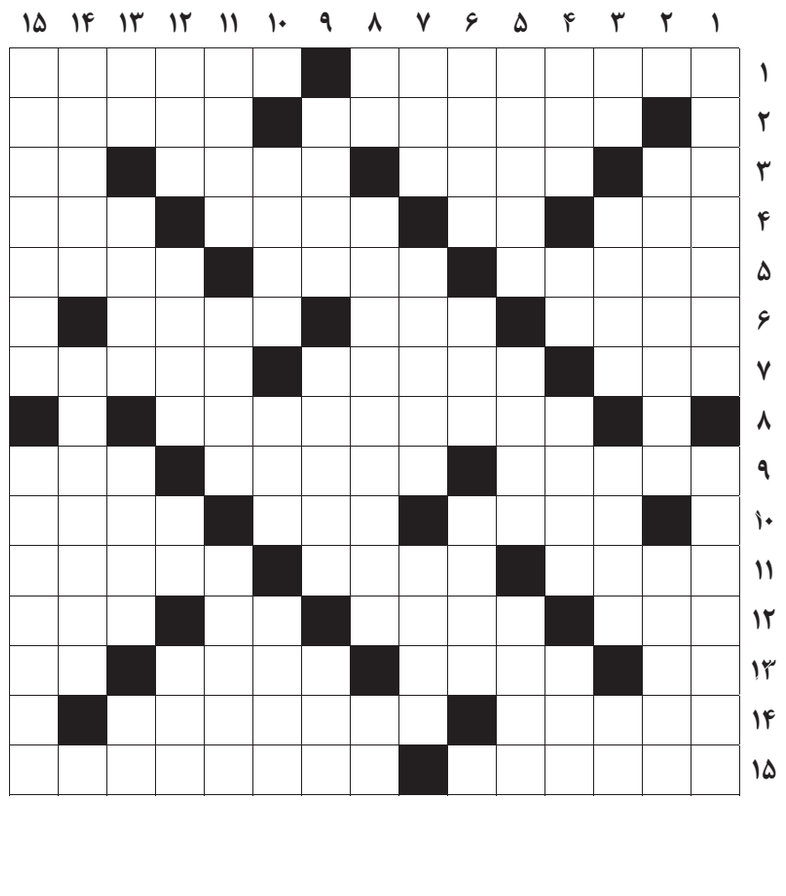

گفت‌وگو

رئیس سازمان بسیج عشایری کشور در گفت‌وگو با «جوان»:

برگزاری موفق یادواره شهدای عشایری مرهون همکاری شایسته رسانه‌ها بود

احمد محمد تبریزی

روز پنج‌شنبه ۳۰ اردیبهشت یادواره سردار شهید قاسم مدهنی و ۱۰ هزار شهید بسیج عشایری کشور با حضور عبدالرضا رحمانی‌فضلی، وزیر کشور و سردار محمدرضا نقدی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین و جمعی از مسئولان کشوری و استانی در خرم‌آباد برگزار شد. این مراسم با حضور پررنگ عشایر و اقوام مختلف کشور انجام پذیرفت که ما را بر آن داشت گفت‌وگویی با سردار علی پاشا محمدی، رئیس سازمان بسیج عشایری کشور انجام دهیم.

سردار محمدی درباره بازتاب این یادواره در رسانه‌های مختلف گفت: این یادواره در شناخته شدن شهدای بسیج عشایر به سایر اقشار جامعه تأثیر زیادی داشت. رسانه‌های رسمی و دیداری و شنیداری کشور مثل صدا و سیما هم همکاری خوبی برای انعکاس اخبار برپایی یادواره داشتند که همین موضوع بازتاب خوبی به دنبال داشت. در روز برگزاری یادواره شبکه اول سیما، شبکه خبر، شبکه قرآن و شبکه‌دو بخش‌هایی از مراسم را به پخش کردند.

وی افزود: بچه‌های مرکز بسیج صداوسیما هم به محل برپایی یادواره آمده بودند و همکاری خوبی در این زمینه داشتند. شبکه افلاک هم که شبکه استانی لرستان است از ابتدا تا انتهای برنامه را به صورت زنده پخش کرد. مستندی در همین رابطه در حال ساخت است که حدود ۲۰ دقیقه زمان دارد و از صدا و سیما پخش خواهد شد.

رئیس سازمان بسیج عشایری کشور با اشاره به تاثیراتی که برگزاری یادواره شهدای شاخص عشایری در استان محل برگزاری یعنی لرستان داشت، گفت: در ابعاد استانی، همه چیز معطوف به یادواره بود. سپاه تمام شهرستان‌های استان، بسیجی‌ها و خانواده شهدا را به محل برگزاری یادواره آورده بود و این برنامه با مشارکت کل استان انجام شد. تبلیغات محیطی خوبی هم انجام شد و همه چیز مهیای برگزاری شایسته یادواره شهدای عشایری بود. از چند روز قبل و بعد از برگزاری، خبر اول در تمام استان مربوط به این یادواره بود. استان‌های همجوار را هم برای حضور در مراسم دعوت کرده بودیم که از استان‌های اصفهان، خوزستان، کهگیلویه‌و بویراحمد، کرمانشاه و ایلام، عزیزانی در برنامه حضور داشتند. همچنین از خانواده معظم شهدا و سران عشایر در این برنامه دعوت به عمل آمد.

محمدی خاطرنشان کرد: کار خوبی که صورت گرفت این بود که وزیر کشور سفری به استان لرستان داشت و وقتی برای ایشان پیغام فرستاده شد که چنین یادواره‌ای در حال برگزاری است ایشان هم به یادواره آمد. وزیر کشور سفرش به لرستان را به اتفاق استاندار و سایر مسئولان آغاز کرد و روز یادواره صحبت‌های خوبی در رابطه با نقش بسیج در اقتصاد مقاومتی و نقش عشایر در امنیت کشور انجام دادند.

وی در خصوص برنامه‌های انجام گرفته در یادواره نیز گفت: آیین ورود خانواده شهدا و شهید شاخص از جمله برنامه‌های یادواره بود. همچنین سردار نقدی در این یادواره سخنرانی کرد و یک میثاق‌نامه با حضور نمایندگان اقوام به امضا رسید. در بحث وحدت اقوام و مذاهب، کار نمادینی انجام شد و یک تجدیدبیعت با مقام معظم رهبری و شهدا برای ادامه این مسیر صورت گرفت. ضمن اینکه نماینده ولی‌فقیه در استان لرستان هم سخنرانی خوبی انجام دادند.

رئیس سازمان بسیج عشایری با بیان اینکه هنوز آنالیزی از برنامه‌ها و میزان مخاطبان صورت نگرفته است، گفت: خودمان از برنامه‌های انجام شده رضایت داریم و بازخورد خوبی هم از طرف مردم گرفتیم.

مسئولان استان حضور پررنگی داشتند و از ما تشکر کردند که این برنامه را در لرستان برگزار کردیم. از استان‌های دیگر مثل آذربایجان شرقی، خوزستان، کرمانشاه و کردستان با ما تماس گرفتند و در رابطه با یادواره صحبت کردند.

وی با تشکر از رسانه ملی که پوشش خبری مناسبی به یادواره شهدای عشایر داده بود، اظهار داشت: اخبار ساعت ۱۴ حدود ۴ دقیقه را به این یادواره اختصاص داد که مجموع این برنامه‌ها در معرفی یادواره تاثیر زیادی داشت. برگزاری چنین برنامه‌هایی نیاز امروز جامعه ما است و به آشنایی مردم با شهدا کمک می‌کند. ۱۰ هزار شهید باید مرتب یادشان گرامی داشته شود و خودمان را وامدار شهدا بدانیم. باید این نکته همیشگی باشد و معطوف به یک یا دو یادواره نباشد و همیشه تکرار شود.

محمدی در پایان از حضور پیدا نکردن مسئولان سازمان امور عشایری کشور گلایه داشت و تأکید کرد که به‌رغم دعوت متأسفانه مسئولان سازمان امور عشایری کشور در یادواره ۱۰ هزار شهید جامعه عشایری حضور پیدا نکردند.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۵					۳		۱	
۹	۴				۶			۵
						۴	۲	
	۵	۸						۴
				۳	۱			۶
	۶			۹				۱
		۴				۹		
۷		۱	۵	۲				

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۴۸۲۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	د	ع	ا	■	گ	ل	ف	■	ه	م	ه	گ	ی	ر	ی
۲	ا	ی	■	ل	ی	ب	ی	■	ا	ج	ر	■	س	ا	م
۳	ل	ا	ه	و	ر	ه	■	م	■	د	ا	ر	ا	ی	ی
۴	ا	ل	ف	ب	ا	■	س	ن	ت	■	ز	ا	و	■	ن
۵	ی	■	ت	ی	■	ا	ب	و	ا	ب	■	ک	ل	ن	■
۶	ی	م	■	ا	ت	س	ز	■	ر	و	ن	ی	■	ا	م
۷	ل	ی	گ	■	م	ت	ی	ل	■	ق	ل	■	ق	د	س
۸	ا	ز	ا	د	■	ک	پ	س	و	ل	■	ا	ی	ر	ج
۹	م	پ	ل	■	ر	ه	ا	■	ر	م	ق	■	م	س	د
۱۰	ا	ا	■	م	ا	ل	ک	ی	■	و	و	ن	■	ت	ج
۱۱	ن	ف	غ	■	م	ک	ن	و	ن	■	و	ل	■	م	
۱۲	ش	■	ر	ا	ب	■	ن	س	ا	ن	■	ت	ا	ر	ک
۱۳	ا	ر	د	ش	ی	ر	■	ن	■	خ	و	د	ک	ا	ر
۱۴	م	ی	و	■	ر	ب	ن	■	ت	ی	پ	ا	■	ف	ا
۱۵	خ	ا	س	ت	گ	ا	ه	■	ت	ش	ر	■	چ	ا	ن